

کیفیت آموزش و پژوهش در ارتباط با معیشت دانشگاهیان و چگونگی بهبود آن

نظام‌الدین فقیه
عضو هیات علمی
دانشکده علوم انسانی
دانشگاه شیراز

مطلبی که از نظر تان می‌گذرد، تجزیه و تحلیلی است بر چگونگی آموزش و پژوهش در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی و نیز چگونگی تأمین و نحوه معیشت استادان و اعضای هیات علمی دانشگاهها و تأثیر متقابل آن بر نحوه تدریس و تحقیق آنها و سرانجام ارائه‌الگویی برای بهبود بخشیدن به نابسامانی معیشتی دانشگاهیان کشور. ذکر این نکته در ارتباط با مقاله حاضر ضروری است که این نوشته، قبل از تغییر و تحولات ارزی اخیر نوشته شده است و از این رو ممکن است بسیاری از آمار و ارقام اشاره شده، با وضعیت حاضر تطابق نداشته باشد و یا برخی از پیشنهادات، جامعه عمل پوشانده شده باشد.

مقدمه

قشر متخصص مورد بذل توجه و عنایت خاص بوده است تا آنجا که، به صورت معمول اقدامات مؤثری در جهت افزایش حقوق آنها مبذول شده است. در سپاس و قدردانی و تأیید این قبیل تلاشها، مقاله حاضر جنبه‌هایی از موضوع را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و در پایان، پیشنهادهایی برای تمهید امکان جذب اعضای هیات علمی جدید ارائه می‌دهد. با توجه به تغییرات و تحولات جدید در سیاستهای ارزی کشور و

مسوولان محترم همواره توجهی خاص به اعضای هیات علمی و استادان دانشگاهها داشته و دارند و به لحاظ وظایف ویژه‌ای که این گروه در امر آموزش، پژوهش و تربیت نیروهای متخصص و آینده‌ساز بر عهده دارند، دانشگاهیان به عنوان یکی از ارکان مهم و اساسی در توسعه و پیشرفت کشور مطرح هستند. از این رو، وضعیت معیشتی و رفاهی این

آثار و پیامدهای آن، پیشنهادهای مطرحه در این مقاله، به طور عمده براساس سیاستهای جدید ارزی استوار است.

آنچه بی تردید باید مورد توجه قرار گیرد این واقعیت است که افزایش خزننده در حقوق دریافتی اعضای هیأت علمی دانشگاهها، دیگر به هیچ روی پاسخگوی جهشهای شدید در نرخ ارز و تبعات معیشتی آن نخواهد بود. در این هنگام و به موازات این تغییر و تحولات جدید، بازنگری اساسی در نحوه و مبانی تعیین حقوق اعضای هیأت علمی، ضرورتی مبرم و اجتنابناپذیر بوده و اقدامی عاجل می طلبد. آتیۀ توان علمی دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی و به موازات آن، بنیۀ تکنولوژیک و فرآیند توسعه در کشور، از هم اینک در ناصیه مراقبت هوشیارانه نسبت به این مهم ترسیم و پدیدار خواهد شد.

به این لحاظ و در این منظر، تدوین یک الگوی محاسباتی مستدل و منطقی پذیر و در عین حال برخوردار از ظرفیتهای رقابتی، وجهه نظر می یابد. براین اساس، نخست - هرچند به اجمال و ایجاز - در زمینه اهمیت موضوع مطالبی ارائه خواهد شد و سپس، بهای تحصیلات در قبال تورم، به نقد و قیاس می رسد و سرانجام، فرمول پیشنهادی برای ترمیم حقوق برخواهد آمد.

در اهمیت موضوع

استادان و مربیان آموزشی، نقشی قابل توجه در تعالی فضایل و ارزشها برعهده دارند؛ نقشی که جامعه و حتی خود آنان کمتر بر اهمیت و ظرافت آن وقوف دارند. تأثیر استاد و مربی بر دانشجو، تنها در کوتاه مدت خلاصه نمی شود بلکه، در بلندمدت و حتی به نسلهای بعد نیز می رسد و می توان گفت با سیلان و جریان در کل مجموعه و سازمان علمی، در شئون و ابعاد مختلف جوامع نفوذ می یابد. این درون ریزی و نفوذ، صرفاً به فعالیتهای علمی محدود و محصور نبوده، بلکه جنبه های متعددی از فرآیند پیچیده بقاء و رشد جامعه را در برمی گیرد. این واقعیت، از آن نظر نیز در خور توجه است که تجلیات و بروز تعالی انسان منحصرأ در فعالیتهای علمی و پژوهشی او جستن نیست. پایاترین تأثیر استاد و مربی در مطالب درسی او نهفته نیست، بلکه امتداد آن به روش کار و سیاق تدریس باز می رسد. این طریق و سیاق خودجوش، از درون خشنود و خرسند یک استاد، جوششی شیرین تر و نشوی مطلوب تر می تواند یافت.

می توان گفت که در واقع، گرانبهاترین و ارزشمندترین مکتسبات یک دانشجو ممکن است ارتباط چندانی با سطح تخصص و دانش فنی استادش نداشته باشد، بلکه آنچه تعلق و بقاء می پذیرد، همانا نقش و نشانی است که از شخصیت او در ذهن و خصلت دانشجو می ماند. ممکن است موضوعها و مطالب درس استاد از یاد برود ولی نقش خاطر و

خاطره اش هرگز از میان نمی رود. به این لحاظ، پاسداری، ارتقاء و مراقبت از حیثیت و شأن اجتماعی استاد اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا که تأثیر شخصیت او بر ساختار تشخص جامعه و حتی امتداد و تواتر آن در توارثات نسلهای بعد، جلوه های تابناک می گستراند.

ویژگی ممتاز و بالنده در تشخص یک استاد، همانا عزم و اراده، ورزشی و مهارت، هنر و توان او در ساختن پلها و گذرگاههای بین دو نسل است آن چنان که، ارتباطی قوی، زنده و پویا بنیان گیرد. الزامات و تعهدات یک استاد، منحصرأ به انتقال و نشر دانش محدود و مختوم نمی شود، بلکه انتقال مکتب و سنتهای علم، طریقت علم و آداب فضیلت، ایجاد زمینه شناخت، درک عمیق از پدیده ها و تجلیات عالم هستی، راه نیل به کمال، توجه به جامعیت و پیوستگی علم و موارد دیگری از این قبیل نیز از جمله این الزامات است. ثمرۀ آموزش علم، از تزریق کتاب فرائر می رود و به تربیت انسان فضیلت جو می رسد. بدون تأمین خاطر استاد، این همه چگونه امکان پذیر تواند بود؟ اگر استاد ناگزیر باشد برای تأمین معاش و در طلب حق التدریس از این کلاس درس به آن کلاس درس پرسه زند، آنچه گفته شد چگونه معنا و مفهوم خواهد داشت؟

بی تردید، استاد باید بر آنچه انتقال می دهد تسلط کامل داشته باشد. برخورداری از چنین کیفیتی علاوه بر شایسته و پسندیده بودن، حتی لازم و واجب نیز است. از طرفی، آفرینش نقش مثبتی که از آن سخن به میان آمد مستلزم آن است که استاد قادر به انتقال میراث علمی خود به شاگرد باشد. کسب این میراث از مراکز علمی معتبر جهان و امکان انتقال آن پس از خاتمه و تکمیل تحصیلات تخصصی، برای استادان و مربیان آموزش علمی، امروزه هزینه ای گزاف دربردارد. این امر، در یک نگرش بسیار ساده اقتصادی، زمانی مقرون به صرفه و ممکن تلقی خواهد شد که درآمد مالی دوران خدمات استادان بتواند در حداقل مقدار ممکن، پاسخگوی آن سرمایه گذاری باشد. معنویات کسب علم و اشاعۀ خدمات علمی، همواره به قوت خود باقی است لیکن، هیچ گاه نمی توان در یک بازنگری همه جانبه، تأثیر عوامل اقتصادی را - آن هم در ارتباط با سرمایه گذاری - از نظر دور داشت. به درستی می توان ادعا کرد، استادی که سرمایه های مادی و انسانی خود را مصروف کسب علم کرده، درآمد خود را هم بیش از پیش در طریق تعشقات علمی خود صرف خواهد کرد و در آخر نیز هر آنچه به عنوان «درآمد» دریافت داشته و به اضافه «سرمایه گذاری» قبلی خود و نیز جوهر وجود شمع فروزان خویش، همه و همه را به جامعه تقدیم و بازگشت خواهد داد. به قول مولانا جلال الدین محمد مولوی:

هر دکانی راست سودایی دگر مثنوی دکان فقر است ای پسر
در دکان کفشگر چرمست خوب قالب کفش است اگر بینی تو چوب

تورم و بهای تحصیلات

باتوجه به شدت تورم و کاهش ارزش پول دریافتی استادان و اعضای هیأت علمی دانشگاهها و همچنین، باتوجه به روند یک نرخی شدن بهای ارز، مبلغ فعلی حقوق دریافتی استادان به طور متوسط از معادل حدود سیصد دلار افزون نمی‌شود. از این رو، نه تنها جذب اعضای هیأت علمی جدید و فارغ‌التحصیلان و استادان ایرانی موجود در خارج از کشور با مشکلات و تنگناهای دشواری مواجه است بلکه، استادان حاضر در دانشگاهها نیز ممکن است تحت فشار واقعیت‌های معیشتی، جذب سایر مؤسسات و مشاغل دیگری شوند.

در طی روند یک نرخی شدن بهای ارز، مؤسسات و مشاغل غیردانشگاهی و بویژه بخش خصوصی، به تعادل جدید و رفیعی از درآمد می‌رسند و لذا، سطح حقوق و حق‌العمل‌های قابل پرداخت از طرف آنان می‌تواند به مراتب بالاتر از سطح مقدور برای دانشگاهها باشد. این امر به نوبه خود بر مشکلات دانشگاهها از نظر جذب نیروهای زبده، توانمند و قابل، خواهد افزود.

حتی در حال حاضر نیز فشارهای کمرشکن معیشتی، سنگینی خود را بر خانواده‌های استادان دانشگاهها بروز می‌دهد و به اغراق، وضعیت اقتصادی و زیستی آنها را به زیر خط فقر سوق می‌دهد و لاجرم، چاره‌ای جز کار توافرسای بی‌بهره از کیفیت حق‌التدریس و اشتغالات متعدد و سرانجام، تنزل کیفیت فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی این افراد، باقی نمی‌گذارد. تداوم این روند، ناگزیر به ترک دانشگاهها توسط این افراد منجر خواهد شد.

هم اینک، فردی که بخواهد با مدرک دکتری به استخدام دانشگاهها درآید حداکثر دریافتی او در بدو استخدام از چهل هزار تومان افزون نمی‌شود. این واقعیت در حالی است که هر یک میلیون تومان پس‌انداز در حساب سپرده بانکها، ماهیانه بیش از دوازده هزار تومان درآمد بدون دردسر و بی‌زحمت و فارغ از استهلاک و تحلیل قوای جسمانی دربردارد. به این ترتیب، حقوق دریافتی فرد فوق‌الذکر از معادل سود بانکی حدود سه میلیون تومان پس‌انداز در حساب سپرده تجاوز نمی‌کند. به عبارت دیگر، تمامی سرمایه مادی و معنوی یک استاد جدیدالاستخدام دارای مدرک دکتری در حدود سه میلیون تومان ارزیابی و تقویم می‌شود. در اینجا باید استهلاک فرد مزبور را در کار توانفرسای که انجام می‌دهد نیز در نظر گرفت.

ناگفته نماند که خدمات علمی و کار دانشگاهی، چشایی لذات آموزشی و پژوهشی و احساس مناعت استادی در شرایط عادی و طبیعی چنین فعالیت‌هایی می‌تواند همچون اکسیر جوانی، طراوت و فرح‌بخشی کند و دل پیر را برناگرداند. لیکن، در شرایط معکوس و در پرسه زنان حق‌التدریس در پی عشا و اعاشه، فرصتی برای برنایی علمی و بهره‌مندی

از این قبیل تنعمات باقی نمی‌ماند و گریزی از استهلاک بی‌حاصل نمی‌گذارد. این روند موجب شده که به جای پروردگی علمی و معنوی و تقویت قوای دماغی که به عنوان مقدرات عالی و خدادادی یک استاد و دانشمند قابل انتظار است، پژمردگی و فرسایش و عقوبت نامرادی برایش برجای می‌ماند.

چنانکه مشهود است، مدرک دکترای تخصصی صرفاً از نظر ارزش سرمایه‌گذاری کمتر از سه میلیون تومان می‌ارزد. متأسفانه این واقعیت در حالی است که هم اکنون اخذ این گونه مدارک تحصیلی - بخصوص در دانشگاههای معتبر دنیا - به هزینه سرمایه‌گذاری بیشتر از سه میلیون تومان نیاز دارد. با این وجود، در خور تعمق است که اصولاً دیگر چه کسی برای ادامه تحصیل در دانشگاههای معتبر دنیا رغبت به سرمایه‌گذاری خواهد داشت؟ یا آنکه برای کدام فارغ‌التحصیل جدید مراکز علمی قابل در سطح بین‌المللی مقرون به صرفه خواهد بود که به خدمت در دانشگاهها روی آورد؟

از این رو، امکان جذب نیروهای در خور و توانمند به دانشگاهها کاهش می‌یابد و فقط کسانی که کارایی لازم برای کارایی در سایر مشاغل را نداشته باشند، آمال خود را در دانشگاهها خواهند یافت و دانشگاه در رفع عطش جذب نیرو ناگزیر به تحمل آنها خواهد شد. استادان قدیمی و ممتاز نیز که دانشگاه را خالی از اهالی علم و دانش بیابند، در کنار این قماش همکاران «ارزان‌بها» احساس پوچی، ناتوانی، وازدگی و بی‌مقداری کرده و بدین ترتیب، ترک دانشگاه را بر باقی ماندن در آن و تحمل رنج ترجیح خواهند داد.

باتوجه به این موارد، همان‌گونه که مسوولان محترم و گرانمایه همواره توجهی خاص به دانشمندان، استادان و اعضای هیأت علمی دانشگاهها مبذول داشته و می‌دارند و به لحاظ اهمیت موقعیت دانشگاهیان در تربیت نیروهای متخصص و آینده‌ساز و نیز با عنایت به نقش تحقیقات علمی و فنی در توسعه و ترقی و تعالی کشور، تمهیدات و اقدامات عاجل، الزام‌آور می‌نماید. باید در جهتی مستحکم برای جذب نیروهای جدید و امکان کار اعضای هیأت علمی موجود چاره‌ای اساسی اندیشه شود.

پیشنهادی برای ترمیم حقوق

باتوجه به تحولات ارزی و سیاستهای پولی کشور، افزایش حقوق دریافتی اعضای هیأت علمی به شیوه‌های تدریجی و مانند آنچه تاکنون متداول بوده است، نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای معیشتی موجود و یا جذب اعضای جدید باشد. بنابراین، به منظور آماده‌سازی یک سازوکار (مکانیزم) پویا و شامل، می‌توان پیشنهاد کرد که میانگین حقوق دریافتی اعضای هیأت علمی در سطح بین‌المللی - برای مثال در

منابع و مآخذ

- ۱- هاشمی رفسنجانی، حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی (ریاست محترم جمهور)، «نطق افتتاحیه»، کنگره بین‌المللی پیشبرد علم و تکنولوژی در جهان اسلام، دانشگاه تهران، ۲۹-۲۷ اردیبهشت ۱۳۷۲.
- ۲- عبدالسلام، پروفیسور محمد، «پیام اختتامیه»، کنگره بین‌المللی پیشبرد علم و تکنولوژی در جهان اسلام، دانشگاه تهران، ۲۹-۲۷ اردیبهشت ۱۳۷۲.
- ۳- نجفی، بهاء‌الدین و طاهری‌پور، فرزند، «کاهش قدرت خرید اعضای هیأت علمی: طرح مسأله و ارائه راه حل»، دومین سمینار بهبود کیفیت آموزشی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران: ۲۹-۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۲.
- ۴- بخش اقتصاد کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز، «بررسی مسأله کاهش قدرت خرید اعضای هیأت علمی دانشگاهها و ارائه چند پیشنهاد»، مجله شریف، سال هشتم، شماره سوم، آذر ماه ۱۳۷۱.
- ۵- نوربخش، محسن، «نطق افتتاحیه»، سومین سمینار سیاستهای پولی و ارزی، بانک مرکزی، تهران: ۲۹-۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۲.
- ۶- عادل، سیدمحمد حسین، «سیاست تک نرخ ارز، اثرات و پیامدها»، سومین سمینار سیاستهای پولی و ارزی، بانک مرکزی، تهران: ۲۹-۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۲.
- ۷- بهمنی اسکویی، محسن، «اثرات کلان اقتصادی ارزش خارجی ریال»، سومین سمینار سیاستهای پولی و ارزی، بانک مرکزی، تهران: ۲۹-۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۲.
- ۸- پسران، هاشم، «یکسان سازی نرخ ارز و نقش بازار و برنامه‌ریزی در بازسازی اقتصاد ایران»، سومین سمینار سیاستهای پولی و ارزی، بانک مرکزی، تهران: ۲۹-۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۲.
- ۹- جلالی نایینی، احمد و شیوا، رضا، «سیاست پولی، تولید و تورم در ایران»، سومین سمینار سیاستهای پولی و ارزی، بانک مرکزی، تهران: ۲۹-۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۲.
- ۱۰- فردمنش، محسن، «نظام بهره و بی‌ثباتی مالی»، سومین سمینار سیاستهای پولی و ارزی، بانک مرکزی، تهران: ۲۹-۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۲.
- ۱۱- قدیری اصلی، باقر، «ریشه‌های تورم قیمتها در کشور در ارتباط با سیاستهای ارزی»، سومین سمینار سیاستهای پولی و ارزی، بانک مرکزی، تهران: ۲۹-۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۲.
- ۱۲- فقیه، نظام‌الدین، «جایگاه ارزشها در آموزش و پژوهشهای علمی»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۸، شماره ۱-۲، پاییز ۷۱، بهار ۱۳۷۲.
- ۱۳- فقیه، نظام‌الدین، «انگیزش کیفیت در آموزش و پژوهش علم از دیدگاه ارزشی و ساختاری»، دومین سمینار بهبود کیفیت آموزشی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران: ۲۹-۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۲.
- ۱۴- مولوی، مولانا جلال‌الدین محمد، دیوان مثنوی، جلد سوم (دفتر ششم)، چاپ ششم، انتشارات مولی، ۱۳۶۸، ص ۳۶۰.

کشورهای عضو یونسکو - محاسبه شود و این میانگین در نرخ جدید رسمی (تک نرخ) ارز ضرب شود و معادل ریالی حقوق اعضای هیأت علمی دانشگاهها بر این اساس تعیین شود.

از نظر تأثیرات این اقدام بر تورم، می‌توان ضریب تصحیح تورم را نیز در این محاسبه وارد کرد. فرمول محاسبه را می‌توان چنین خلاصه کرد:

$$A \times B \times \frac{C}{D} \times R$$

در این فرمول، عوامل A، B، C، D و R به شرح زیر تعریف می‌شوند:

A: عبارت است از میانگین حقوق اعضای هیأت علمی در سطح

بین‌المللی (مثلاً کشورهای عضو یونسکو) به ارز

B: عبارت است از نرخ رسمی (تثبیت تک نرخ) ارز بر حسب ریال

C: عبارت است از میزان تورم در کشور (طبق شاخص بانک مرکزی)

D: عبارت است از میانگین میزان تورم در میان کشورهایی که حقوق اعضای هیأت علمی آنها برای محاسبه میانگین حقوق (عامل A) مورد استفاده قرار گرفته است (کشورهای عضو یونسکو).

R: عبارت است از ضریب منعکس‌کننده نسبت میانگین هزینه زندگی

اعضای هیأت علمی در ایران به میانگین هزینه زندگی این افراد در

کشورهای عضو یونسکو

با عنایت به تغییر نرخ رسمی (تثبیت تک نرخ) ارز، اتخاذ روش

مزبور توجیه‌پذیر و مقعول به نظر می‌رسد و شاید بتوان گفت،

واقع‌بینانه‌ترین و عملی‌ترین راه حل برای ایجاد انگیزه و جذب نیروهای

جدید و ارتقای کیفیت در دانشگاههاست.

سایر پیشنهادها

علاوه بر پیشنهاد فوق، موارد دیگری را نیز می‌توان به شرح زیر

مطرح کرد:

الف) پرداخت وام خرید و یا ساخت و یا تکمیل واحد مسکونی به اعضای

هیأت علمی در حد مبالغ قابل قبول و قابل استفاده با توجه به قیمت

مسکن در کشور و نیز پیگیری و نظارت در اجرای دستوالعملهای

مربوط توسط بانکها و کارگزاران اجرایی پرداخت این قبیل وامها

ب) فروش اقساطی خودرو و یا تأمین وام خرید خودرو برای اعضای

هیأت علمی دانشگاهها

ج) معافیت حقوق دریافتی هیأت علمی از پرداخت مالیات

د) ایجاد تسهیلات بیمه هزینه ادامه تحصیلات فرزندان دانشگاهیان در

مقاطع مختلف در صورت پذیرش در دانشگاههای داخل و خارج

کشور

ه) ایجاد مقررات ویژه برای پذیرش و ادامه تحصیل فرزندان اعضای

هیأت علمی دانشگاهها